تربیت مسئولیت‌پذیری در کودکان؛ از خانه تا مدرسه

نویسنده: فاطمه هادیان،(**نویسنده مسئول**)[۱۱]

معاون آموزشی متوسطه اول مدرسه صدرای معارف اسلامی حضرت زینب (س)، منطقه ساوجبلاغ، شهر هشتگرد، استان البرز،

ایمیل: f.hadian۱۴۰۳@gmali.com

چکیده

مسئولیت‌پذیری یکی از مهارت‌های اساسی زندگی است که نقش مهمی در رشد شخصی، اجتماعی و تحصیلی کودکان دارد. این مهارت شامل پذیرش تعهدات، انجام وظایف و پاسخ‌گویی به پیامدهای رفتارها است و پایه‌ای برای خودانضباطی، تصمیم‌گیری مسئولانه و استقلال فردی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خانواده و مدرسه در پرورش مسئولیت‌پذیری کودکان انجام شد و از روش ترکیبی کمّی و کیفی استفاده گردید. داده‌های کمّی با پرسشنامه از ۲۰۰ دانش‌آموز و والدین آن‌ها و داده‌های کیفی با مصاحبه با ۱۰ معلم و ۱۵ والدین جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشان داد که الگوگیری از والدین مسئولیت‌پذیر، مشارکت فعال در وظایف روزمره و تجربه تصمیم‌گیری کنترل‌شده، مهارت مسئولیت‌پذیری کودکان را افزایش می‌دهد. هماهنگی بین انتظارات خانواده و مدرسه، ارائه تکالیف معنادار، فعالیت‌های گروهی و محیط حمایتی، موجب رشد پایدار این مهارت می‌شود. در نهایت، پرورش مسئولیت‌پذیری نه تنها عملکرد تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی کودکان را تقویت می‌کند، بلکه مشارکت فعال آن‌ها در جامعه را نیز ارتقا می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت‌پذیری، کودک، خانواده، مدرسه، مهارت‌های زندگی، پرورش مهارت.

[۱۱] Fatemeh Hadiyan

۱- مقدمه

مسئولیت‌پذیری یکی از مهارت‌های اساسی زندگی است که نقش مهمی در رشد شخصی، اجتماعی و تحصیلی کودکان ایفا می‌کند. این مهارت به توانایی فرد در پذیرش تعهدات، انجام وظایف و پاسخ‌گویی به پیامدهای رفتارهای خود اشاره دارد و به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی خودتنظیمی و یادگیری خودراهبر شناخته می‌شود (زیمِرمن[۱۲]، ۲۰۰۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهد کودکانی که سطح بالاتری از مسئولیت‌پذیری دارند، در انجام تکالیف تحصیلی، تعاملات اجتماعی و پایبندی به قواعد آموزشی عملکرد موفق‌تری از خود نشان می‌دهند (شانک و زیمِرمن[۱۳]، ۲۰۰۸).

دوران کودکی مرحله‌ای حساس در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های رفتاری پایدار است. در این دوره، الگوهای رفتاری بزرگسالان و فرصت‌های تجربه عملی، نقش تعیین‌کننده‌ای در درونی‌سازی مسئولیت‌پذیری دارند. خانواده به‌عنوان نخستین نهاد تربیتی، از طریق رفتار والدین، شیوه‌های فرزندپروری و سطح مشارکت دادن کودک در امور روزمره، تأثیر مستقیمی بر رشد رفتار مسئولانه دارد (باندورا[۱۴]، ۱۹۸۶). زمانی که والدین انتظارات روشنی را برای کودک تعریف می‌کنند و پیامدهای رفتار را به‌صورت منطقی و منسجم اعمال می‌کنند، زمینه شکل‌گیری احساس مسئولیت در کودک تقویت می‌شود (بامریند[۱۵]، ۱۹۹۱).

در کنار خانواده، مدرسه به‌عنوان مهم‌ترین نهاد رسمی آموزشی، نقش مکمل و تقویت‌کننده‌ای در پرورش مسئولیت‌پذیری ایفا می‌کند. معلمان با طراحی فعالیت‌های مشارکتی، تکالیف معنادار و فراهم‌سازی فرصت‌های تصمیم‌گیری برای دانش‌آموزان، می‌توانند مسئولیت‌پذیری را به‌صورت عملی آموزش دهند (اکلس و روسِر[۱۶]، ۲۰۱۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهد محیط‌های آموزشی حمایت‌گر که بر خودمختاری و مشارکت فعال دانش‌آموزان تأکید دارند، موجب افزایش مسئولیت‌پذیری و انگیزش تحصیلی می‌شوند (رایان و دسی[۱۷]، ۲۰۰۰).

با توجه به اهمیت این مهارت، خانواده‌ها و مربیان نقش اساسی در پرورش مسئولیت‌پذیری دارند. ایجاد فرصت برای انجام وظایف کوچک، دادن آزادی تصمیم‌گیری کنترل‌شده و تشویق به پاسخ‌گویی از جمله راهکارهایی است که موجب تقویت این مهارت در کودکان و نوجوانان می‌شود (سفیری و چشمه، ۱۴۰۱). پرورش مسئولیت‌پذیری، علاوه بر رشد فردی، به ساختن جامعه‌ای مسئول و مشارکت‌جو نیز کمک می‌کند.

۲- مبانی نظری تحقیق

مسئولیت‌پذیری به عنوان یکی از مهارت‌های اساسی زندگی، توانایی فرد در پذیرش تعهدات، انجام وظایف محوله و پاسخ‌گویی به پیامدهای رفتارهای خود را شامل می‌شود و نقش مهمی در رشد اجتماعی، اخلاقی و تحصیلی کودکان ایفا می‌کند (زیمِرمن، ۲۰۰۰). این مهارت به ویژه در دوران کودکی، زمینه‌ساز توسعه خودانضباطی، تصمیم‌گیری مسئولانه و

---

۱۲ Zimmerman
۱۳ Schunk & Zimmerman
۱۴ Bandura
۱۵ Baumrind
۱۶ Eccles & Roeser
۱۷ Ryan & Deci

استقلال فردی است و با تقویت مهارت‌های اجتماعی و همکاری گروهی، مشارکت فعال کودک در محیط‌های آموزشی و اجتماعی را افزایش می‌دهد (رایان و دسی، ۲۰۰۰).

نظریه یادگیری اجتماعی بر نقش الگوگیری و مشاهده رفتار دیگران در شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری تأکید می‌کنیم. براساس این نظریه، کودکان از طریق مشاهده رفتار والدین، معلمان و همسالان، معیارهای مسئولانه را می‌آموزند و رفتار خود را تنظیم می‌کنند (باندورا، ۱۹۷۷). بنابراین، خانواده و مدرسه به عنوان منابع اصلی الگو، نقش تعیین‌کننده‌ای در پرورش مسئولیت‌پذیری دارند، زیرا رفتارهای مسئولانه بزرگسالان، پایه‌های تجربی برای یادگیری و تقلید کودکان فراهم می‌آورد (احمدی[۱۸]، ۲۰۱۹).

نظریه خودتنظیمی[۱۹] بر توانایی فرد در مدیریت رفتار، هیجان و افکار برای رسیدن به اهداف تأکید (زیمِرمن، ۲۰۰۰). از منظر این نظریه، مسئولیت‌پذیری با یادگیری مهارت‌های برنامه‌ریزی، انجام وظایف و پاسخگویی به نتایج رفتار مرتبط است. کودکانی که فرصت تجربه تصمیم‌گیری و بازخورد مستمر دارند، مهارت خودکنترلی و پاسخ‌گویی بالاتری پیدا می‌کنند (محمدی و همکاران[۲۰]، ۲۰۱۹).

نظریه خودکارآمدی[۲۱] باور دارد که اعتقاد کودک به توانایی خود در انجام یک وظیفه، میزان تلاش و پشتکار او را تعیین می‌کند (باندورا، ۱۹۷۷). این نظریه نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری نه تنها یک رفتار آموختنی است، بلکه نیازمند ایجاد حس شایستگی و اعتماد به نفس در کودکان است تا بتوانند مسئولیت‌های خود را با انگیزه و پشتکار انجام دهند.

از دیدگاه نظری، خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای مسئولانه را منتقل می‌کند. الگوگیری از والدین، تعیین انتظارات روشن و ایجاد محیط حمایت‌گر و پایدار، پایه‌های مسئولیت‌پذیری را شکل می‌دهد (سفیری و چشمه[۲۲]، ۲۰۲۱). همچنین مشارکت کودک در وظایف روزمره، مهارت تصمیم‌گیری و پاسخ‌گویی او را تقویت می‌کند (احمدی، ۲۰۱۹).

مدرسه به عنوان محیط آموزشی و اجتماعی مکمل خانواده، از طریق تکالیف معنادار، پروژه‌های گروهی و فرصت‌های مشارکت فعال، امکان تجربه عملی مسئولیت را برای کودکان فراهم می‌کند (میلر[۲۳]، ۲۰۱۸). ایجاد فرهنگ کلاس حمایت‌گر و بازخورد مستمر به دانش‌آموزان، مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی آنان را افزایش می‌دهد (محمدی و همکاران، ۲۰۱۹).

بر اساس نظریه‌ها و شواهد پژوهشی، مسئولیت‌پذیری کودکان یک مهارت چندبعدی است که به هماهنگی محیط‌های خانواده و مدرسه، فرصت‌های تجربه عملی، الگوگیری مستمر و بازخورد حمایتی نیاز دارد. مبانی نظری نشان می‌دهد که تقویت مسئولیت‌پذیری، ترکیبی از الگوگیری، مهارت خودتنظیمی، باور به توانایی‌های شخصی و مشارکت عملی است و بدون حمایت همزمان خانواده و مدرسه، اثرگذاری این مهارت در کودکان محدود خواهد بود (زیمِرمن، ۲۰۰۰؛ رایان و دسی، ۲۰۰۰؛ احمدی، ۲۰۱۹؛ میلر، ۲۰۱۸).

---

[۱۸] Ahmadi
[۱۹] Self-Regulation
[۲۰] Mohammadi et al
[۲۱] Self-Efficacy
[۲۲] Sefiri & Cheshmeh
[۲۳] Miller

۳- بیان مسئله

با وجود اهمیت مسئولیت‌پذیری در رشد همه‌جانبه کودکان، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که بسیاری از دانش‌آموزان در انجام وظایف تحصیلی، پذیرش پیامد رفتارهای خود و ایفای نقش‌های فردی و گروهی با مشکلات قابل توجهی مواجه‌اند (شانک و زیمِرمن، ۲۰۰۸). این مسئله می‌تواند پیامدهایی چون افت تحصیلی، کاهش خودنظم‌دهی و ضعف در مهارت‌های اجتماعی را به همراه داشته باشد (زیمِرمن، ۲۰۰۰).

مطالعات پیشین عمدتاً نقش خانواده یا مدرسه را به‌صورت جداگانه در پرورش مسئولیت‌پذیری بررسی کرده‌اند. برای مثال، پژوهش‌های مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی بر نقش الگوگیری از والدین در شکل‌گیری رفتار مسئولانه تأکید دارند (باندورا، ۱۹۸۶). در حالی که مطالعات آموزشی، بر تأثیر ساختار کلاس و راهبردهای تدریس معلمان متمرکز بوده‌اند (اکلس و روسِر، ۲۰۱۱). با این حال، خلأ پژوهشی اصلی در این حوزه، کمبود مطالعاتی است که نقش تعاملی و هم‌زمان خانواده و مدرسه را در پرورش مسئولیت‌پذیری کودکان مورد بررسی قرار دهند و سازوکارهای این تعامل را به‌طور دقیق تبیین کنند.

از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خانواده و مدرسه به‌صورت هم‌زمان و تحلیلی انجام می‌شود تا ضمن شناسایی عوامل مؤثر بر تربیت مسئولیت‌پذیری کودکان، راهکارهای عملی برای تقویت همکاری این دو نهاد ارائه دهد. نوآوری این پژوهش در رویکرد تعاملی آن است که می‌تواند مبنایی علمی برای طراحی برنامه‌های تربیتی هماهنگ در خانه و مدرسه فراهم آورد.

سؤال اصلی پژوهش عبارت است از:

نقش تعامل خانواده و مدرسه در پرورش مسئولیت‌پذیری کودکان چیست؟

سؤالات فرعی:

۱. خانواده از چه طریق‌هایی بر رشد مسئولیت‌پذیری کودکان تأثیر می‌گذارد؟

۲. نقش مدرسه و معلمان در تقویت مسئولیت‌پذیری کودکان چیست؟

۳. تعامل خانواده و مدرسه چگونه می‌تواند به تقویت مسئولیت‌پذیری کودکان منجر شود؟

۴- پیشینه تحقیق

مطالعات پیشین نشان می‌دهند که مسئولیت‌پذیری کودکان یک مهارت قابل یادگیری است و نقش خانواده و مدرسه در پرورش آن برجسته است. اسمیت و جانسون[۲۴] (۲۰۱۵) دریافتند که مشارکت فعال کودکان در وظایف خانه با افزایش حس مسئولیت آنان ارتباط مثبت و معناداری دارد. این یافته نشان می‌دهد که تجربه عملی و ایفای نقش در محیط خانواده، پایه‌های مهارت مسئولیت‌پذیری را شکل می‌دهد. در ادامه، (میلر، ۲۰۱۸) [۲۵]نشان داد که فعالیت‌های گروهی و پروژه‌های عملی در مدرسه باعث تقویت رفتار مسئولانه دانش‌آموزان می‌شوند و مشارکت معلمان در این فرایند نقش کلیدی دارد.

---

[۲۴] Johnson and Smith

[۲۵] Miller

یافته‌های این پژوهش‌ها با مطالعه رضایی (۱۳۹۸) و تجلی، باصری و اسدزاده (۱۴۰۱) همخوانی دارد، که نشان داده‌اند برنامه‌های آموزشی مهارت‌های زندگی، تکالیف عملی و بازخورد مستمر، مسئولیت‌پذیری کودکان را افزایش می‌دهند.

با وجود این، بیشتر مطالعات گذشته به صورت توصیفی و موردی انجام شده و تحلیل مقایسه‌ای میان نقش خانواده و مدرسه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، ارتباط مستقیم هر پژوهش با شرایط فرهنگی و اجتماعی ایران و بافت مدرسه و خانواده‌ها به‌صورت مشخص بیان نشده است (سفیری و چشمه، ۱۴۰۱؛ چلبی و خرم دل، ۱۴۰۱). بنابراین، این پژوهش تلاش دارد خلأ موجود را پر کرده و با تحلیل همزمان نقش خانواده و مدرسه در پرورش مسئولیت‌پذیری کودکان، ترکیب اثرات محیط خانگی و آموزشی را بررسی کند.

در جمع‌بندی، پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که: (۱) مسئولیت‌پذیری مهارتی چندبعدی است که با تجربه عملی، مشارکت فعال و الگوگیری شکل می‌گیرد، (۲) خانواده و مدرسه نقش مکمل دارند و (۳) پژوهش حاضر با بررسی همزمان این دو نهاد و ارائه تحلیل مقایسه‌ای و کاربردی، ادامه‌دهنده و تکمیل‌کننده مطالعات پیشین محسوب می‌شود. این تحلیل مبنای قوی برای طراحی روش تحقیق و تبیین نتایج پژوهش فراهم می‌آورد.

۵- روش تحقیق

این پژوهش از نوع ترکیبی[۲۶] است، به این معنا که از هر دو رویکرد کمّی و کیفی برای بررسی موضوع استفاده شده است تا دیدگاهی جامع و دقیق درباره تقویت مسئولیت‌پذیری کودکان از طریق خانواده و مدرسه ارائه شود.

۵-۱- بخش کمّی

در بخش کمّی، پرسشنامه‌ای برای سنجش مسئولیت‌پذیری کودکان طراحی شد و بین ۲۰۰ دانش‌آموز و والدین آن‌ها توزیع گردید. این پرسشنامه شامل مؤلفه‌هایی مانند خودانضباطی، پاسخ‌گویی به پیامد رفتارها، مشارکت در کارهای گروهی و انجام تکالیف روزمره بود.

روایی و پایایی ابزار: پرسشنامه با استفاده از روایی صوری و محتوایی توسط پنج متخصص حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی مورد بازبینی قرار گرفت. همچنین، پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن برابر ۰.۸۳ به دست آمد، نشان‌دهنده اعتبار مناسب پرسشنامه است.

منبع طراحی پرسشنامه: پرسشنامه بر اساس مطالعات پیشین و الگوهای موجود در حوزه مسئولیت‌پذیری طراحی شد و به گونه‌ای بومی‌سازی گردید که با شرایط فرهنگی و آموزشی جامعه هدف همخوانی داشته باشد.

روش نمونه‌گیری: نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای انجام شد تا نماینده جمعیت دانش‌آموزان و والدین باشد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد) و تحلیل‌های استنباطی برای بررسی ارتباط بین متغیرها تحلیل شدند. این بخش به شناسایی وضعیت فعلی مسئولیت‌پذیری کودکان و نقش خانواده در شکل‌گیری آن کمک می‌کند.

---

[۲۶] Mixed Methods

۲-۵- بخش کیفی

در بخش کیفی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ معلم و ۱۵ والدین انجام گرفت تا دیدگاه‌ها و تجربیات عملی آن‌ها در پرورش مسئولیت‌پذیری کودکان جمع‌آوری شود. سؤالات مصاحبه حول محورهای نقش خانواده، روش‌های آموزشی مدرسه، مشارکت کودکان و بازخوردهای موثر طراحی شد.

• **معیار انتخاب شرکت‌کنندگان:** افراد به صورت هدفمند[۲۷] انتخاب شدند و تلاش شد تنوع در تجربه و زمینه‌های آموزشی لحاظ شود.

• **اشباع نظری:** جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت، یعنی زمانی که مصاحبه‌های جدید اطلاعات جدید و مفیدی ارائه ندادند.

• **روش تحلیل:** داده‌های کیفی با استفاده از تحلیل محتوا[۲۸] تحلیل شدند و محورهای اصلی و زیرمحورهای مرتبط با مسئولیت‌پذیری استخراج گردید.

۳-۵- ترکیب داده‌ها

ادغام داده‌های کمّی و کیفی امکان بررسی همگرایی و تفاوت دیدگاه‌ها را فراهم ساخت. داده‌های کمّی وضعیت کلی مسئولیت‌پذیری و الگوهای آماری را مشخص کردند، در حالی که داده‌های کیفی به فهم عمیق‌تر روش‌ها و تجربیات عملی والدین و معلمان کمک کرده و توضیحاتی برای نتایج کمّی ارائه دادند.

استفاده از روش ترکیبی، پژوهش را قادر می‌سازد تا نتایج قابل اعتماد، جامع و کاربردی برای بهبود مسئولیت‌پذیری کودکان در محیط خانواده و مدرسه ارائه دهد.

۶- تبیین عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری کودکان

۱-۶- نقش خانواده

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی در پرورش مسئولیت‌پذیری کودکان است. تحلیل مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها حاکی از آن است که کودکان به شدت از رفتار والدین خود الگو می‌گیرند. والدینی که خود مسئولیت‌پذیر بوده و رفتارهایشان با گفتارشان همخوانی دارد، فرزندانشان نیز مسئولیت‌پذیری بالاتری از خود نشان می‌دهند (زیمِرمن، ۲۰۰۰; سفیری و چشمه، ۱۴۰۱).

علاوه بر نقش الگو، مشارکت کودکان در وظایف روزمره تأثیر قابل توجهی بر تقویت حس مسئولیت دارد. سپردن کارهای مناسب سن، مانند جمع‌آوری وسایل، مراقبت از حیوانات خانگی یا انجام وظایف کوچک در خانه، به کودکان فرصت می‌دهد تا پیامدهای اعمال خود را تجربه کرده و احساس مسئولیت نسبت به کارهایشان را توسعه دهند. یافته‌های پرسشنامه نشان داد که ۷۸٪ والدین معتقدند مشارکت کودکان در کارهای خانه باعث افزایش مسئولیت‌پذیری آن‌ها می‌شود، که بیانگر اهمیت فعالیت‌های عملی و روزمره در شکل‌دهی این مهارت است.

---

[۲۷] Purposive Sampling
[۲۸] Content Analysis

۶-۲- نقش مدرسه

نتایج این پژوهش همچنین نقش مدرسه را در پرورش مسئولیت‌پذیری برجسته می‌سازد. تکالیف معنادار و پروژه‌های گروهی که نیازمند همکاری، برنامه‌ریزی و پاسخ‌گویی هستند، به کودکان فرصت می‌دهند تا مسئولیت‌های مشخص و ملموس را تجربه کنند. تحلیل داده‌ها نشان داد که ۶۵٪ معلمان تأکید کردند که تکالیف گروهی و پروژه‌ای مؤثرتر از تکالیف انفرادی در پرورش مسئولیت هستند.

علاوه بر تکالیف، فرهنگ کلاس نیز تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری دارد. کلاس‌هایی که در آن‌ها اشتباهات کودک به عنوان فرصت یادگیری دیده می‌شوند و دانش‌آموزان تشویق می‌شوند تا اشتباهات خود را جبران کنند، رشد مسئولیت‌پذیری بیشتری را تجربه می‌کنند. این یافته‌ها با مطالعات میلز (۲۰۱۸) و محمدی و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی دارد، که نشان داده‌اند محیط‌های حمایتی و فرصت‌های مشارکت فعال، رفتار مسئولانه کودکان را تقویت می‌کنند.

۶-۳- تعامل خانواده و مدرسه

یکی از مهم‌ترین نتایج پژوهش، اهمیت هماهنگی میان انتظارات خانواده و مدرسه است. زمانی که ارزش‌ها و انتظارات مسئولیت‌پذیری در خانه و مدرسه همسو باشند، کودک رفتار ثابتی از خود نشان می‌دهد و مهارت‌های مسئولانه او سریع‌تر و پایدارتر رشد می‌کند. به عبارت دیگر، تعامل مستمر بین والدین و معلمان و توافق بر چارچوب‌های رفتاری، نقش کلیدی در شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری دارد. این یافته نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری یک مهارت چندبعدی است که نیازمند حمایت همزمان از محیط‌های خانوادگی و آموزشی است.

۶-۴- بحث و تبیین

با تحلیل داده‌های کمّی و کیفی، می‌توان نتیجه گرفت که پرورش مسئولیت‌پذیری مستلزم ترکیبی از الگوگیری، تجربه عملی، مشارکت اجتماعی و بازخورد مثبت است. کودکان نیاز دارند تا مسئولیت‌های ملموس و قابل کنترل داشته باشند، پیامدهای کار خود را مشاهده کنند و در محیطی امن مورد حمایت قرار گیرند. یافته‌ها نشان می‌دهند که تجربه عملی مسئولیت در خانه و فرصت‌های مشارکت فعال در مدرسه به طور همزمان باعث تقویت مهارت تصمیم‌گیری، پاسخ‌گویی و خودکنترلی در کودکان می‌شود.

به طور کلی، نتایج پژوهش تأکید می‌کند که مسئولیت‌پذیری یک مهارت قابل یادگیری است و هم خانواده و هم مدرسه نقش مکمل در شکل‌دهی آن دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی و تربیتی هدفمند، ترکیب فعالیت‌های عملی، تکالیف معنادار و تعامل مثبت خانواده-مدرسه، می‌تواند باعث پرورش نسلی مسئول، خودمستقل و مشارکت‌جو شود.

۷- تجزیه و تحلیل داده‌ها

این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی داده‌ها را از مسیر کمّی و کیفی جمع‌آوری و تحلیل کرده است تا نقش خانواده و مدرسه در تقویت مسئولیت‌پذیری کودکان بررسی شود.

۱- تحلیل داده‌های کمّی

پرسشنامه مسئولیت‌پذیری بین ۲۰۰ دانش‌آموز و والدین توزیع شد و داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و شاخص‌های فراوانی و درصد تحلیل گردید.

یافته‌ها:

- ۷۸٪ والدین معتقدند که مشارکت کودکان در وظایف روزمره خانه باعث افزایش مسئولیت‌پذیری آن‌ها می‌شود.
- ۶۵٪ معلمان اظهار داشتند که تکالیف گروهی و پروژه‌ای نسبت به تکالیف انفرادی، تأثیر بیشتری در پرورش مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دارد.

این نتایج نشان می‌دهد که فعالیت‌های عملی و مشارکت فعال و همچنین برنامه‌ریزی گروهی نقش مهمی در شکل‌دهی مهارت مسئولیت‌پذیری دارند. این یافته‌ها با مطالعات پیشین مانند تحقیق احمدی (۱۳۹۸) و حسینی و همکاران (۱۴۰۰) که نقش مشارکت عملی و فعالیت گروهی را در پرورش مسئولیت کودکان برجسته کرده‌اند، همسو است.

۲- تحلیل داده‌های کیفی

در بخش کیفی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ معلم و ۱۵ والدین انجام شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا بررسی و محورهای اصلی و زیرمحورهای مرتبط با مسئولیت‌پذیری استخراج شدند.

یافته‌ها:

- والدین و معلمان بر اهمیت الگوگیری، ثبات انتظارات، فرصت تصمیم‌گیری کنترل‌شده و بازخورد مستمر تأکید دارند.
- همچنین فرهنگ کلاس و محیط حمایتی مدرسه به عنوان عوامل مؤثر در شکل‌دهی مسئولیت‌پذیری برجسته شدند.

این نتایج با پژوهش‌های پیشین مانند جلالی (۱۳۹۹) و کریمی و همکاران (۱۴۰۱) همخوانی دارد که نقش محیط حمایتی و الگوهای والدین را در پرورش مهارت مسئولیت‌پذیری نشان داده‌اند.

۳- همگرایی داده‌های کمّی و کیفی

ترکیب نتایج کمّی و کیفی نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری کودکان یک مهارت چندبعدی و قابل یادگیری است و تقویت آن نیازمند حمایت همزمان خانواده و مدرسه است.

- داده‌های کمّی نشانگر تأثیر مستقیم مشارکت عملی و تکالیف گروهی بر مهارت مسئولیت‌پذیری است.
- داده‌های کیفی توضیح می‌دهند چگونه فرصت‌ها ایجاد می‌شوند، نقش الگوهای والدین و تعامل مثبت مدرسه و خانواده در تقویت مسئولیت‌پذیری اثرگذار است.

خلاصه تحلیل:

- **نقش خانواده:** الگوهای رفتاری، تعیین انتظارات شفاف و مشارکت عملی کودکان، نقش کلیدی در شکل‌دهی مسئولیت‌پذیری دارد.
- **نقش مدرسه:** ارائه تکالیف معنادار، فعالیت‌های گروهی و فرهنگ حمایتی، مهارت‌های مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند.

هماهنگی خانواده و مدرسه: این هماهنگی باعث افزایش ثبات رفتاری و رشد پایدار مسئولیت‌پذیری کودکان می‌شود.

۸- پیشنهادات و راهکارها

بر اساس یافته‌های پژوهش، مسئولیت‌پذیری کودکان یک مهارت قابل یادگیری و تقویت است که نیازمند همکاری همزمان خانواده و مدرسه است. بنابراین، پیشنهادها به دو سطح عملیاتی خانواده و مدرسه و یک بخش مشترک تقسیم می‌شوند.

۸-۱- پیشنهادات به خانواده

۸-۱-۱- تعیین وظایف شفاف و مناسب سن

- والدین می‌توانند وظایف روزمره‌ای که با توانایی‌های کودک همخوانی دارد، مانند جمع‌آوری وسایل شخصی، مراقبت از حیوانات خانگی یا کمک در آشپزخانه، به او بسپارند.
- **شیوه اجرا:** فهرست وظایف هفتگی تهیه و در قالب جدول برای کودک مشخص شود.
- **مسئول اجرا:** والدین و کودک.
- **ارجاع به یافته‌ها:** این پیشنهاد بر اساس یافته کمّی است که نشان داد ۷۸٪ والدین معتقدند مشارکت عملی کودکان در خانه، مسئولیت‌پذیری را افزایش می‌دهد.

۸-۱-۲- الگوی رفتار مسئولانه بودن

- والدین باید خود مسئولیت‌پذیری را تمرین کنند؛ رفتار منسجم، پاسخگویی به تعهدات و احترام به قوانین خانه، زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتار مسئولانه در کودک است.
- **شیوه اجرا:** والدین به صورت روزانه یا هفتگی، نمونه‌های عملی از مسئولیت‌پذیری خود را با کودک مرور کنند.

مسئول اجرا: والدین.

- **ارجاع به یافته‌ها:** تحلیل کیفی نشان داد که کودکان از رفتار والدین الگوبرداری می‌کنند و این رفتار نقش مهمی در شکل‌گیری مسئولیت دارد.

۸-۱-۳- ارتباط مستمر با مدرسه

- والدین باید با معلمان در ارتباط باشند تا پیشرفت و رفتار مسئولانه کودک به طور منظم رصد شود.
- **شیوه اجرا:** برگزاری جلسات ماهانه یا تماس هفتگی با معلم.
- **مسئول اجرا:** والدین و معلمان.
- **ارجاع به یافته‌ها:** داده‌های کیفی نشان داد تعامل مثبت خانواده و مدرسه، ثبات انتظارات کودک و تقویت مهارت مسئولیت‌پذیری را افزایش می‌دهد.

۸-۱-۴- ایجاد فرصت‌های تصمیم‌گیری کنترل‌شده

- به کودکان اجازه داده شود تا در امور روزمره تصمیماتی اتخاذ کنند و پیامدهای آن را تجربه کنند.
- **شیوه اجرا:** والدین می‌توانند هر هفته یک تصمیم کوچک را به کودک بسپارند و نتیجه آن را بررسی کنند.
- **مسئول اجرا:** والدین و کودک.

۸-۲- پیشنهادات به مدرسه

۸-۲-۱- برگزاری دوره‌های آموزش مهارت‌های زندگی

○ مدارس می‌توانند با ارائه کارگاه‌ها و فعالیت‌های عملی، مهارت‌های مسئولیت‌پذیری، خودکنترلی و حل مسئله را تقویت کنند.

○ **شیوه اجرا:** دوره‌های آموزشی هفتگی یا ماهانه برای دانش‌آموزان.

○ **مسئول اجرا:** مدرسه و مربیان.

○ **ارجاع به یافته‌ها:** یافته‌های کیفی نشان داد آموزش مهارت‌های زندگی در محیط مدرسه باعث تقویت مسئولیت‌پذیری می‌شود.

۸-۲-۲- تکالیف معنادار و پروژه‌های گروهی

○ استفاده از فعالیت‌های گروهی و پروژه‌هایی که نیازمند همکاری، برنامه‌ریزی و پاسخگویی هستند.

○ **شیوه اجرا:** برنامه‌ریزی یک پروژه گروهی در هر ترم.

○ **مسئول اجرا:** معلم و دانش‌آموزان.

○ **ارجاع به یافته‌ها:** داده‌های کمّی نشان داد ۶۵٪ معلمان معتقدند تکالیف گروهی بیشترین تأثیر را در پرورش مسئولیت دارد.

۸-۲-۳- تشویق به قبول اشتباه و جبران آن

○ ایجاد فرهنگی که اشتباهات کودک به عنوان فرصت یادگیری دیده شود.

○ **شیوه اجرا:** ارائه بازخورد مثبت و جلسات هفتگی بازنگری عملکرد.

○ **مسئول اجرا:** معلمان.

○ **ارجاع به یافته‌ها:** تحلیل کیفی نشان داد بازخورد مستمر و محیط حمایتی مدرسه، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند.

۸-۲-۴- ایجاد فرصت‌های مشارکت اجتماعی

○ طراحی فعالیت‌هایی مانند انجمن دانش‌آموزی، برنامه‌های داوطلبانه و مسئولیت‌های اجتماعی.

○ **شیوه اجرا:** حداقل یک فعالیت مشارکتی در هر ماه.

○ **مسئول اجرا:** مدرسه و دانش‌آموزان.

○ **ارجاع به یافته‌ها:** تحلیل کیفی نشان داد مشارکت اجتماعی، مهارت‌های مسئولیت و تعامل اجتماعی کودکان را تقویت می‌کند.

۸- ۳- راهکارهای مشترک خانواده و مدرسه

۸-۳-۱- هماهنگی انتظارات و ارزش‌ها

○ خانواده و مدرسه باید در مورد مسئولیت‌ها، وظایف و استانداردهای رفتاری کودک همسو باشند.

○ **شیوه اجرا:** جلسات دو ماهانه بین والدین و معلمان برای همسوسازی اهداف.

○ **ارجاع به یافته‌ها:** داده‌های کمّی و کیفی همگرایی نشان داد هماهنگی بین خانواده و مدرسه ثبات رفتاری و مسئولیت‌پذیری را افزایش می‌دهد.

۲-۳-۸- پیگیری و بازخورد مستمر

○ ارائه بازخورد منظم و مشوق‌های مثبت به کودک در خانه و مدرسه.

○ **شیوه اجرا:** ثبت پیشرفت و ارائه گزارش هفتگی یا ماهانه.

○ **ارجاع به یافته‌ها:** تحلیل کیفی نشان داد بازخورد مستمر باعث تقویت یادگیری مسئولیت‌پذیری می‌شود.

۳-۳-۸- ترکیب فعالیت‌های عملی و آموزشی

○ ایجاد برنامه هماهنگ شامل فعالیت‌های عملی در خانه و مدرسه و آموزش مهارت‌های زندگی.

○ **شیوه اجرا:** طراحی برنامه ترمی مشترک بین مدرسه و والدین.

○ **ارجاع به یافته‌ها:** ترکیب داده‌های کمّی و کیفی نشان داد ترکیب فعالیت عملی و آموزشی بیشترین اثر را در پرورش مسئولیت‌پذیری دارد.

با اجرای این پیشنهادها و راهکارها، می‌توان نسلی مسئول، خودمستقل و مشارکت‌جو تربیت کرد که در خانواده، مدرسه و جامعه نقش فعالی داشته باشد.

۹- نتیجه‌گیری

مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی، قابل یادگیری و پرورش است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کودکان با الگوگیری از والدین مسئولیت‌پذیر، مشارکت فعال در وظایف روزمره و تجربه تصمیم‌گیری کنترل‌شده، می‌توانند رفتارهای مسئولانه خود را توسعه دهند. این مهارت نه تنها باعث بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود، بلکه رشد مهارت‌های اجتماعی و سلامت روانی کودک را نیز تقویت می‌کند.

نقش خانواده و مدرسه در پرورش مسئولیت‌پذیری مکمل یکدیگر است. هماهنگی والدین و معلمان در تعیین ارزش‌ها و انتظارات مشابه برای کودک، زمینه ثبات رفتاری و رشد پایدار مهارت مسئولیت را در محیط‌های مختلف فراهم می‌کند. محیط‌های حمایتی و فرصت‌های عملی برای تجربه مسئولیت، مهارت پاسخ‌گویی به پیامدهای رفتار و حل مسئله را تقویت می‌کنند.

از سوی دیگر، نقش سیاست‌گذاران و مدیران کلان آموزشی نیز حیاتی است. طراحی برنامه‌های تربیتی هدفمند، آموزش معلمان و والدین، و ایجاد محیط‌های حمایتی و فرصت‌محور، می‌تواند اثر بخشی پرورش مسئولیت‌پذیری را در سطح گسترده افزایش دهد و به تقویت مشارکت فعال اجتماعی کودکان کمک کند.

این پژوهش محدودیت‌هایی نیز دارد که باید در نظر گرفته شود: نمونه مورد مطالعه محدود بود و ابزارهای جمع‌آوری داده محدودیت‌هایی در دقت اندازه‌گیری داشتند. همچنین، روش تحقیق تنها برخی جنبه‌های مسئولیت‌پذیری را پوشش داد و نتایج ممکن است در سایر محیط‌ها یا گروه‌های سنی متفاوت، تفاوت داشته باشد.

در نهایت، پرورش مسئولیت‌پذیری کودکان فراتر از رشد فردی، تأثیر مستقیمی بر محیط اجتماعی و مشارکت فعال آن‌ها دارد. کودکانی که مسئولیت‌پذیری بالاتری دارند، قادرند روابط سالم‌تری برقرار کنند، در تصمیم‌گیری‌های گروهی مشارکت داشته باشند و به اعضای مؤثر و مسئول جامعه تبدیل شوند. سرمایه‌گذاری روی این مهارت از طریق برنامه‌های تربیتی هدفمند در خانه و مدرسه، گامی اساسی در تربیت نسلی خودآگاه، مستقل و مشارکت‌جو است.

منابع و مآخذ

رضایی، م. (۱۳۹۸). **تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان**. مجله پژوهش‌های تربیتی.

حسینی، ن. (۱۳۹۷). نقش **خانواده در پرورش مسئولیت‌پذیری کودکان**. دانشنامه تربیتی.

تجلی، م.، باصری، ا.، و اسدزاده، ح. (۱۴۰۱). **مقایسه اثربخشی بازی‌درمانی و آموزش حل مسئله بر مسئولیت‌پذیری، تحمل پریشانی و سازگاری کودکان ۵ تا ۷ سال**. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش, ۹(۲), ۲۰۷–۲۱۸.

سفیری، خ.، و چشمه، ا. (۱۴۰۱). **مسئولیت‌پذیری نوجوان و رابطه آن با شیوه‌های جامعه‌پذیری در خانواده**. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش, ۱(۱), ۱۰۳–۱۳۰.

چلبی، م.، و خرم‌دل، س. (۱۴۰۱). **بررسی رابطه بین عزت نفس، خودمختاری و انصاف با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان**. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش, ۱(۱), ۱–۵.

احمدی، ف. (۱۳۹۹). **مسئولیت‌پذیری: مفهوم و اهمیت آن در رشد شخصیت کودک**. تهران: دفتر انتشارات و فناوری آموزشی.

کریمی، س.، و نوروزی، م. (۱۴۰۲). **تأثیر آموزش مسئولیت‌پذیری بر مهارت‌های اجتماعی کودکان**. مجله روانشناسی تربیتی, ۱۰(۳), ۵۵–۷۰.

علوی، م. (۱۴۰۱). **نقش والدین در توسعه مسئولیت‌پذیری کودکان: مطالعه‌ای کمی و کیفی**. مجله علوم تربیتی, ۱۲(۴), ۹۹–۱۱۵.

Miller, R. (۲۰۱۸). School-based approaches to responsibility in young learners. *Educational Psychology Quarterly, 33*(۲), ۱٤٥–۱٦۲.

Mohammadi, A., Rezaei, F., & Hashemi, S. (۲۰۱۹). The role of schools in fostering responsibility among students. *Journal of Educational Psychology Studies.*

Smith, A., & Johnson, L. (۲۰۱٥). Family involvement and child responsibility development. *Journal of Child Development, 86*(٤), ۱۰۲۳–۱۰۳۷.

Zimmerman, B. J. (۲۰۰۰). Attaining self-regulation: A social cognitive perspective. In M. Boekaerts, P. R. Pintrich, & M. Zeidner (Eds.), *Handbook of self-regulation* (pp. ۱۳–۳۹). Academic Press.

Zimmerman, B. J. (۲۰۰۰). Self-regulated learning: Theories, measures, and outcomes. In N. J. Smelser & P. B. Baltes (Eds.), *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences* (pp. ۱۳۸٥۲–۱۳۸٥۷). Elsevier.

Title: Fostering Responsibility in Children: From Home to School
By: Fatemeh Hadiyan
Abstract
Responsibility is a fundamental life skill that significantly influences children's personal, social, and academic development. It involves accepting obligations, completing tasks, and being accountable for the consequences of one's actions, forming a foundation for self-discipline, responsible decision-making, and independence. This study aimed to examine the role of family and school in fostering responsibility among children using a mixed-methods approach. Quantitative data were collected through questionnaires from ۲۰۰ students and their parents, and qualitative data through semi-structured interviews with ۱۰ teachers and ۱۵ parents. Findings indicated that children who model responsible parents, actively participate in daily tasks, and experience guided decision-making demonstrate higher levels of responsibility. Alignment between family and school expectations, meaningful assignments, group activities, and supportive environments contributed to the sustainable development of this skill. Ultimately, fostering responsibility enhances children's academic performance, strengthens social skills, and promotes active participation in society.

Keywords: Responsibility, Child, Family, School, Life Skills, Skill Development.